

مهاجرت از کشور خوب است یا بد؟

# مدارا با مدار خارج از زادگاه



مهاجران کانادا را خواندم این جمله توجهام را جلب کرد؛ کسی انگار تصویر جا افتاده از مهاجران در غربت را سرزده کرده بود و اولش راه آخر تعریف می کرد: «مردم فکر می کنند که اگه بدون پول و سرمایه به یک کشور دیگه مهاجرت کنند اونوقت مجبور هستند که تن بدن به کارگری!»

به گفته فرهاد که ۵سال پیش وطن را به مقصد کانادا ترک کرده، بیشتر مهاجران مخصوصا آنهایی که به صورت قانونی و با امتیاز گرفتند از پرونده های مهاجرت، به کشوری دیگر رفته اند می توانند زندگی خیلی خوبی هم داشته باشند. او معتقد

است مهاجرانی که مجبور به تمیز کردن سرویس های بهداشتی، ظرف شستن در آشپزخانه رستوران ها و کارگری شده اند یا دانشجویهایی هستند که در کنار تحصیل شان می خواهند یک شغل پارت تایم داشته باشند تا هزینه تحصیل شان دریابد یا آنهایی که ظرفیت زرق و برق یک کشور آزاد را نداشته و پول شان را در راه زرق و برق خرج کرده اند.

بحث و تبادل نظر در این گروه های تلگرامی زیاد است و هر مهاجر تجربه های از زندگی خودش را با اعضا در میان می گذارد. نازیلا با لایک کردن نظر فرهاد نوشته: «من از وقتی اودم کانادا برای هزینه هام برنامه ریزی کردم و خدارو شکر اگه همین برنامه رو ادامه بدم تا آخر دوره تحصیل پول کم نمیارم. ولی یک چیز خیلی مهم این وسط وجود داره که هیچ وقت نمی تونم مثل وقتی که تهران بودم برم گالری، تئاتر، کافی شاپ و رستوران، این جا اگه بخوای اینجوری زندگی کنی کم میاری.» روزگاری که آرمینا و محمود بعد از مهاجرت

سپری کرده اند نیز یکی دیگر از تجربیات مهاجرت به کشور کانادا است. زن و شوهری که همزمان با تحصیل مجبور به کار کردن در رستوران ها و فروشگاه ها شده اند اما نگاه دلسو زانهای می شود اما این جا نه جنسیت مطرح است، نه سطح اجتماعی.

اینها روایت خیلی از مهاجرانی است که با امید رسیدن به آزادی و رفاه بیشتر کشورشان را ترک کرده اند و اگر چه شاید این رویای شان تحقق یافته اما خیلی های شان هنوز نتوانسته اند زندگی در زادگاه شان را با این کیفیت تجربه کنند.

**مهاجران غیر قانونی**  
با این حال وضع برخی از مهاجران قانونی که با پذیرش گرفتن از دانشگاه ها با امتیاز گرفتن از پرونده شان به کشوری دیگر مهاجرت کرده اند، در سطح بسیار بالاتری از مهاجران غیرقانونی قرار دارد. آنها دلپره های ردشن از فیلتهای مختلف گزینش برای زندگی در کشور جدید را پشت سر گذاشته اند

اما مهاجران غیرقانونی علاوه بر مشکلات اقتصادی، شغلی، تحصیلی و غیره در یک وضع بلاتکلیف و نامشخص تن داده اند به کوچی که از اختیار به اجبار تبدیل شده است. اگر بخواهیم مهاجران غیرقانونی که به امید زندگی بهتر از کشور خارج می شوند و به کشور دیگری می روند مثال بنزیم باز هم به این نکته می رسیم که آنها مثل آوارگان سوری و مردم کشورهای جنگ زده ای که مجبور به تن دادن به مهاجرت می شوند، مجبور به ترک وطن نبوده اند. آمارهای نهادهای بین المللی نشان می دهد سالانه صدها هزار نفر از سراسر دنیا به دلایل مختلفی همچون کار، زندگی بهتر،

تحصیل، قاچاق مواد مخدر، تخلفات تحت پیگرد سیستم قضائی... به مهاجرت های غیرقانونی روی می آورده اند. این تحلیل آماری درحال حاضر شامل حال مهاجران ایرانی می شود که از کشورشان می روند. درست مثل لیلا که به امید رفتن به آمریکا تن به سفر با قاچاق برهای انسان را داد تا به ترکیه برسد و در ولایتش به خاطر تلخی های این سفر هولناک جای شرح حال روزهای رسیدن به مقصد را خالی گذاشته است و نوشته: «حتی اگر قرار باشد خواندن تجربه من و سوءاستفاده هایی که از جان و مال من شد، یک مهاجر را هم نجات دهد، باز هم نمی نویسم شان.» ظاهرا او نمی خواهد اما روزها را برای خودش یادآوری و مرور کند اما در نهایت هم یک مهاجر بلاتکلیف افسرده است که شاید همین روزها قید رویاهایش را بزند و به ایران برگردد.

شبکه های قاچاق انسان در مناطق جنوب شرق آسیا، آمریکای جنوبی، آفریقا و چند کشور مثل ترکیه و یونان فعال هستند و از طریق ارتباط های خود کسانی را که می خواهند تحت هر عنوان به کشور دیگری مهاجرت کنند، شناسایی و آنها را با مدارک ک هویت اصلی از کشور خارج می کنند.

**مقصد بیشتر مهاجران کجاست؟**  
هر چه بر تعداد مهاجران غیرقانونی در جهان افزوده شود، شانس تأیید ناهندگان کمتر خواهد شد. با این حال اگر مهاجرت ایرانی ها را از نوع قانونی و غیرقانونی اش در نظر بگیریم، قطعاً آخرین مقصد رویایی مهاجران، آمریکا و رسیدن به خاک این کشور است. اینها را می توان از حرف ها و نظریه های مردم به طور غیررسمی استنباط کرد. اما به این دلیل که مهاجرت به این کشور بسیار سخت تر از مهاجرت به کشورهای دیگر است معمولاً مقصد اول مهاجران ایرانی کشورهای اروپایی مانند ترکیه، آلمان، مجارستان، سوئد یا استرالیا و کانادا است.

## هدفمندی در مهاجرت

رضا فیض عظیمی | کارشناس امور مهاجرت

نوع مهاجرت و ترک کردن کشور مقصد بسیار مهم است. به واسطه شرایطی که پیش از مهاجرت و در جریان تشکیل پرونده در کشور مبدأ وجود دارد بسیاری از مهاجران می توانند هموعان خودشان را پیدا کنند. برگزاری کلاس های گروهی و شرکت در آزمون های مختلف زبان زمینه های فراهم می کند که افراد مختلف با یکدیگر آشنا شوند و به دلیل هدف مشترکی که دارند از تجربیات یکدیگر استفاده کنند. امروزه به دلیل گسترده شدن شبکه های اجتماعی و فراگیر شدن استفاده از اینترنت مردم می توانند در هر جای دنیا با یکدیگر در ارتباط باشند و اطلاعات کافی به دست بیاورند. به همین خاطر مشخص کردن هدف و تطبیق آن با تجربیات و واقعیت های تا حدی قابل لمس می تواند به کسی که قصد مهاجرت به یک کشور دیگر را دارد، کمک کند. اگر چه در شرایط کنونی برخی از فارغ التحصیلان دانشگاهی از بیکاری در کشور گله می کنند و شاید علت اصلی که خیلی های شان رویای مهاجرت را در سرشان می پروراند به دلیل رسیدن به شغل دلخواه و آینده شغلی مناسب باشد اما این طرز فکر مهاجرت را در سرشان می پروراند به این دلیل است که مهاجران با این حال، این نخستین اقدام برای مهاجرت است تا در جریان این رویا فرد سرخورده و بازنده نشود. اما چیزی که در رابطه با مهاجرت و خوب و بد زندگی کردن در کشوری به غیر از کشور زادگاه وجود دارد نوع مهاجرت است.

مهاجرت کردن داشت، مشخص کردن هدف است. وقتی هدف از مهاجرت مشخص و شرایط این اقدام از قبل فراهم شده باشد می توان امیدوار بود که مهاجرت این فرد اتفاق بهتری را در زندگی اش رقم خواهد زد اما اگر به بهانه های واهی و بی ارزش و بدون داشتن هدف و صرفاً با تکیه بر پول و سرمایه از کشور خارج شویم، قطعاً اندوه و پشیمانی دامن مان را خواهد گرفت. با این تفاسیر باید گفت اگر چه مهاجرت یک پدیده اجتماعی در جهان است اما در زمره مسائل حقوقی قرار می گیرد. به این معنی که هر دانشجوی، کارآفرین، پزشک یا سرمایه گذاری اگر تمایل به خروج از کشور و مهاجرت به یک کشور دیگر را دارد باید جواب سوال ها و ابهامات ذهنش را درباره آثار این اقدامش از کلای باتجربه ای که در رشته حقوق بین الملل تحصیل کرده اند، دریافت کند. افراد زیادی هستند که در آرزوی رسیدن به مقصد رویای شان در دام افراد کلاهبردار یا قاچاقچیان انسان افتاده و حتی سرمایه خودشان را نیز از دست داده اند. با این حال، این نخستین اقدام برای مهاجرت است تا در جریان این رویا فرد سرخورده و بازنده نشود. اما چیزی که در رابطه با مهاجرت و خوب و بد زندگی کردن در کشوری به غیر از کشور زادگاه وجود دارد نوع مهاجرت است.

## از خارج مدینه فاضله نسازید

وحید ملک زاده | مشاور مهاجرت

مراجعه کنندگانم توصیه می کنم اگر در ایران وابستگی هایی دارند یا روحیه سازگار با هر محیط جدید و تاب آوردن در مشکلات و سختی ها را ندارند به هیچ وجه برای مهاجرت اقدام نکنند. بروندهای خود را هم دیده ام که در پروسه درست شدن کارشان انگار تازه واقعیت را لمس کرده و متوجه تغییر بزرگ در زندگی شان شده اند که می آیند و بروندهای شان را می بینند. به همین خاطر تصور می کنم کسانی که قصد مهاجرت دارند باید نه خوشبین باشند، نه بدبین، بلکه باید شخصیت و روحیه خودشان را ببینند. این واقعیت است که با واقعیت کنار بیایند یا نه. این واقعیت از ناکام ماندن در پیدا کردن شغل دلخواه، تحصیل در رشته مورد علاقه می گویم این امر کاملاً به روحیات فرد مهاجر ارتباط پیدا می کند. تاب آوردن در سختی ها و دست و پنجه نرم کردن با شرایط پیچیده و ناآشنا روحیه ای قوی و سرسختانه می خواهد. من افراد زیادی را دیده ام که سال ها برای رفتن به یک کشور دیگر خون دل خورده، زبان آموخته، مدارک لازم را تهیه کرده و در نهایت با گرفتن ویزا نتوانسته اند به کشوری که برای اقامت اقدام کرده اند به صورت قانونی مهاجرت کنند؛ اما عجیب است که تعداد زیادی را دیده ام که بعد از چندسال مهاجرت از کشورشان به طور نتوانسته اند خودشان را با شرایط زندگی جدید وفق دهند و در نهایت بساط شان را جمع کرده و به کشور خودشان برگشته اند. به همین خاطر من به اکثر می توانم خند و بسند و هم بد.

مثل تجارت کالا، مهاجرت انسان هم قانونی و غیرقانونی دارد. مردمانی که از رویاهایشان پلی می سازند به آن نسوی مرزها و به اشکال مختلف، وطن را در آرزوی مقصدی بهتر ترک می کنند. براساس آخرین آمارهای بانک جهانی جمعیت مهاجران جهان به ۲۷۰ میلیون نفر رسیده و همه این تعداد در حال حاضر در کشوری غیر از کشور زادگاه شان زندگی می کنند. در این آمار مهاجرت بین المللی اگر چه سهم ایرانیانی که از کشورشان به کشوری دیگر کوچ کرده اند به طور دقیق مشخص نیست اما غیررسمی از مهاجرت سالانه هزاران ایرانی خبر می دهد. آمارهای قابل تامل که باید خوب و بد آن را از زوایای مختلف بررسی کرد. جنگ، ناامنی، بیماری، قحطی، جست و جو برای امنیت و جایی برای زندگی همواره اصلی ترین دلایل مهاجرت در جهان است؛ دلایلی که در سال های اخیر تغییرات جوی از جمله خطر سمی شدن محیط زیست و تغییرات اقلیمی غیرقابل تحمل به دروازه های جنوب شرقی آسیا نیز به آن اضافه شده و دانشمندان نسبت به پیامدهای چنین پدیده هولناکی هشدار می دهند. با این حال در شرایط کنونی ایران نه در شرایط جنگ و ناامنی است، نه بیماری و قحطی و شرایط جوی مردم را تهدید به مهاجرت می کند؛ با این تفسیر در سال های اخیر مهاجرت از کشور یک امر «اختیاری» بوده است.



بهناز مقدسی روزنامه نگار

مهاجران کانادا را خواندم این جمله توجهام را جلب کرد؛ کسی انگار تصویر جا افتاده از مهاجران در غربت را سرزده کرده بود و اولش راه آخر تعریف می کرد: «مردم فکر می کنند که اگه بدون پول و سرمایه به یک کشور دیگه مهاجرت کنند اونوقت مجبور هستند که تن بدن به کارگری!»

به گفته فرهاد که ۵سال پیش وطن را به مقصد کانادا ترک کرده، بیشتر مهاجران مخصوصا آنهایی که به صورت قانونی و با امتیاز گرفتند از پرونده های مهاجرت، به کشوری دیگر رفته اند می توانند زندگی خیلی خوبی هم داشته باشند. او معتقد است مهاجرانی که مجبور به تمیز کردن سرویس های بهداشتی، ظرف شستن در آشپزخانه رستوران ها و کارگری شده اند یا دانشجویهایی هستند که در کنار تحصیل شان می خواهند یک شغل پارت تایم داشته باشند تا هزینه تحصیل شان دریابد یا آنهایی که ظرفیت زرق و برق یک کشور آزاد را نداشته و پول شان را در راه زرق و برق خرج کرده اند.

بحث و تبادل نظر در این گروه های تلگرامی زیاد است و هر مهاجر تجربه های از زندگی خودش را با اعضا در میان می گذارد. نازیلا با لایک کردن نظر فرهاد نوشته: «من از وقتی اودم کانادا برای هزینه هام برنامه ریزی کردم و خدارو شکر اگه همین برنامه رو ادامه بدم تا آخر دوره تحصیل پول کم نمیارم. ولی یک چیز خیلی مهم این وسط وجود داره که هیچ وقت نمی تونم مثل وقتی که تهران بودم برم گالری، تئاتر، کافی شاپ و رستوران، این جا اگه بخوای اینجوری زندگی کنی کم میاری.» روزگاری که آرمینا و محمود بعد از مهاجرت

## با بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی می توان مهاجران را به کشور بازگرداند

دکتر سعید خراط ها | آسیب شناس اجتماعی



در کشور خودشان و با امید به آینده ای روشن و تامین آینده شغلی، علم و دانش و توانایی شان را برای مردم سرزمین شان به کار ببرند.

بازگرداندن مهاجران به کشور نیز کمک می کند، همچنین می توان در زمینه جذب دوباره نخبگان کشور برای آنها مرکز و پایگاهی تخصصی ایجاد کرد تا آنها

از کشور خارج شود. بنابراین کشور منابع انسانی و بعضاً متخصص خود را از دست می دهد و دیگر نخواهد توانست در این زمینه نیروی متخصص و منابع انسانی را جبران و جایگزین کند. اتفاقی که متأسفانه نزدیک یک دهه است کشور ما را تهدید می کند و نزدیک پدیده فرار مغزها رشد زیادی داشته و این یک زنگ خطر برای مسئولان است. با همه این ها در مجموع مهاجرت کردن هر انسانی یک حق قانونی و مدنی است. هر کسی می تواند انتخاب کند که در کجا و در چه شرایطی زندگی کند اما لزوماً ضمانتی وجود ندارد که این مهاجرت آینده خوبی را پیش روی او قرار خواهد داد یا نه؛ چرا که این روزها در همه جای جهان سرمایه، داشتن تحصیلات، تخصص و غیره اهمیت زیادی

پیدا کنند تصمیم به خروج از کشور می گیرند. از طرف دیگر شرایط اجتماعی و سیاسی نیز برای گروهی از مردم باعث می شود که آنها قصد ترک وطن کنند، مانند دوچنسه ها که اجتماع آنها را نمی پذیرد یا زنانی که برای انجام برخی از کارها محدودیت قانونی دارند. با این حال وقتی تعداد مهاجران و کسانی که زادگاه شان را ترک می کنند افزایش پیدا کند، نشانه خوبی به همراه ندارد و در واقع نشان دهنده ناامنی در یک جامعه است. ناامنی به معنای ترس از آینده شغلی و معیشتی در مردم آن منطقه، چرا که رشد و روند افزایش مهاجران باعث می شود یک کشور نیروها و ذخایر انسانی اش را از دست بدهد و حتی سرمایه های مالی زیادی نیز

به غیر از جنگ و ناامنی، شرایط اجتماعی و اقتصادی نامطلوب در هر کشوری به پدیده مهاجرت ساکنان اش دامن می زند. به صورت کلی چندین عامل وجود دارد که در شرایط کسانی که قصد مهاجرت و پناه جویی دارند اثر می گذارد که در نهایت باعث می شود این تصمیم عملی گردد. اما در کشور ما اصلی ترین دلایل وضعیت اقتصادی و سیاسی است. اگر به وضعیت پناه جویان و مهاجران چند سال اخیر نگاه کنیم بیشتر آن ها به امید کار کردن کشور را ترک کرده اند. تعداد زیادی از این مهاجران هستند که در مملکت خودشان جویای کارند و چون نمی توانند کار مرتبط و همسان با تحصیلات یا خرج و مخارج خانواده شان